

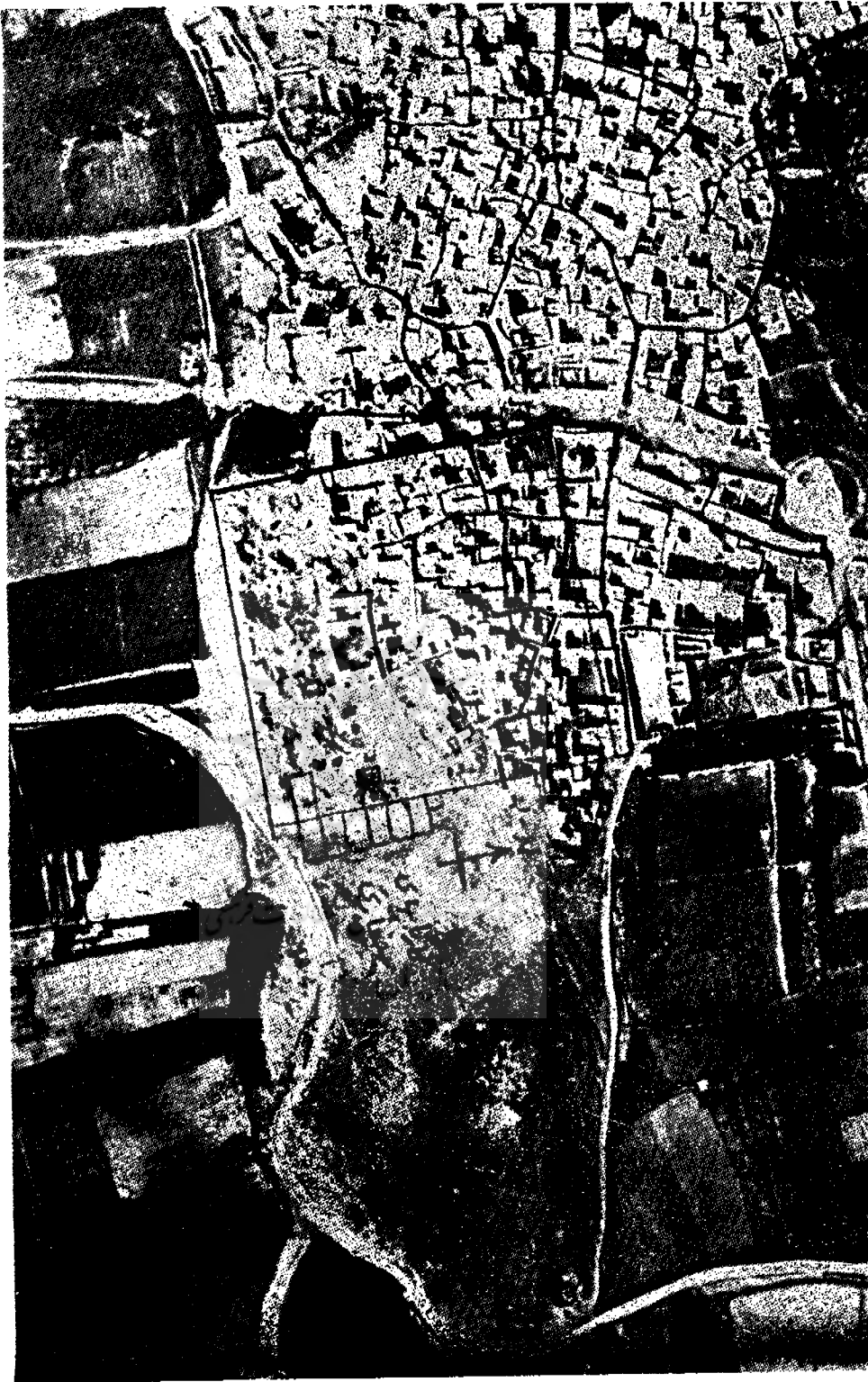
کاوش در معبد آناهیتا (کنگاور)

از
کامبخش فرد

معبد آناهیتا، یکی از
بزرگترین پرستشگاههای
ناهید بوده که ویرانه های آن
امروزه در قلب کنگاور باقی
است. کنگاور یا کنکور و بقول
«ایزیدور خارا کسی»^۱ جغرافیا
نویس یونانی در قرن اول میلادی
کنگبار (Conobar)^۲ در مسیر
شاهراه همدان - کرمانشاه و
در ۴ کیلومتری بیستون بین
گردنه‌ها و چمهای صخره و
اسدآباد واقع شده است.
سابق براین روستای
کنگاور منحصر بر روی بقایای
معبد آناهیتا ساخته شده بود و

۱- Iidor von charax

۲- کنکور: به کسراف و سکون نون و فتح واو؛ محلی بین همدان و کرمانشاه و
قصر عجیبی در آنست که قصر اللصوص (قصرزدان) نامیده میشود و اکنون خراب است
(معجم البلدان - جلد ۱۶ ص ۴۸۴).



شکل شماره ۱ - عکس هوایی کنگاور - میدان ناهید و خیابان ناهید . جنبه غربی معبد ، و جنبه شرقی و جنوبی و شمالی آن نیز با اندکی دقت در عکس کاملاً پیداست . محل کارگاه های حفاری هیئت ما نیز در جنبه شرقی مشخص شده است

امروزه گسترش یافته و دارای تشکیلات نسبتاً نوین شهری و ارتباطی گشته است. ساکنان تپه آناهیتا از گذشته های دور، خانه های خود را بر فراز معبد بنا کرده و ضمن استفاده از مصالح آن در احداث کاشانه های خود، از تخریب این بنای عظیم بجهت استفاده های مادی نیز فروگذار نموده اند. بیشترین مردم در گذشته به کوره پزی و یاشکستن ستونهای سنگی و حمل آنها برای ابنیه جدید شهر کنگاور مشغول بوده اند.

امروزه تپه آناهیتارا «گچ کن» نیز مینامند و این وجه تسمیه اطلاق بردمی است که از ملاط قطور گچ دیوار عریض مرتباً برداشت کرده و در کوره مجدداً آنرا پخته و تبدیل به گچ زنده نموده اند. و نیز ستونها و تپه ستونها و سایر منضعات حجاری شده را که آهکی هستند خرد کرده و در کوره آهک ساخته اند.

ضمن کاوش در لایه های فوقانی تپه، بقایای کوره هائی^۱ علاوه بر آنچه که از قرون متأخر بر بالای تپه باقی است، از خاک بیرون آمد که نشانی از این تجاوزات در گذشته های دور نیز میباشد.

لطمه ای که از این رهگذر به حجاریها و تاسیسات باستانی این معبد وارد شده جبران ناپذیر است ولی خوشبختانه این صدمات، فقط جبهه و تاسیسات دیوار جنوبی و بخشی کوچک از شرق و غرب بنا را شامل شده و قسمتهای دیگر در اثر وجود ساختمانهای روستائی که از دیر باز بر رویهم و بر بالای معبد ساخته شده چندان صدمه ای ندیده و نسبتاً سالم هستند و اگرچه شاهکارهای آن يك بیک طعمه آرواشتهای زمان شده، لکن هنوز از شکل و روح آن بخشی عظیم باقی است از جمله امامزاده ابراهیم و حول و حوش آن در خیابان ناهید و بازار است که علی رغم عناد انسانی در محور کار و نبوغ گذشتگان، بخشی از سالمترین حجاریهای پرستشگاه ناهید را در خود بمصداق: «کارهای خدائی مانع بسیاری از زشتیها میشود»، حفظ نموده است.

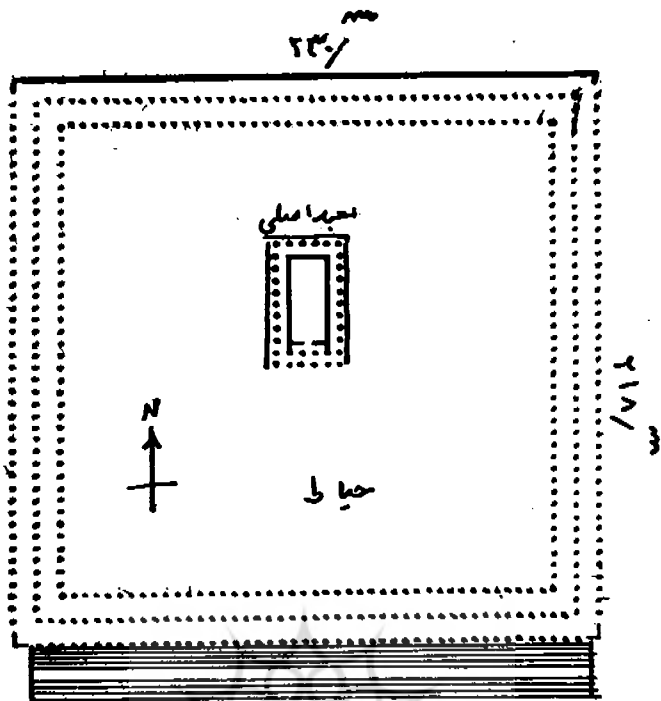
۱- هم اکنون چهار کوره گچ پزی و آهک که از صدسال پیش ساخته شده در روی تپه باقی است که در چندسال پیش اداره باستانشناسی آنها را تعطیل کرد.

در ۱۸۴۰ میلادی، یکصد و بیست و هشت سال پیش «اوزن فلاندن» و «پاسکال کست» دو نفر سیاح فرانسوی ضمن مسافرت خود بایران جهت بررسی و نقشه برداری از آثار باستانی، از کنگاور و معبد آن‌ها نیز بازدید بعمل آورده و طرح و نقشه هائی از معبد و اجزاء معماری آن را در کتاب خود گراور کرده اند.^۱

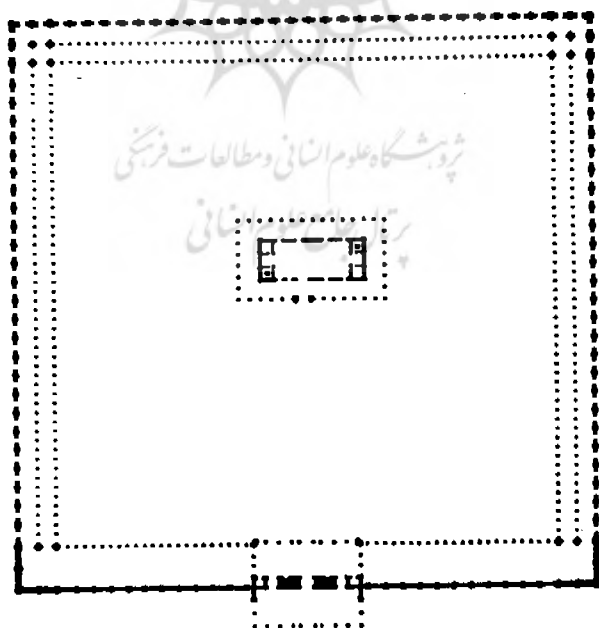
فلاندن در سفرنامه خود پس از شرح مختصری راجع به کنگاور در باره معبد چنین مینگارد:^۲ «..... از بقایایش میتوان بکنه بنا و طرز ساختمانش پی برد اما در اثر اینکه بیشتر قسمتهای این معبد را مالکین جزء خانه‌های خود کرده‌اند نمیتوان صحیحاً نقشه آنرا در نظر گرفت لیکن ما بر آنیم تا حد ممکنه بعود زحمت داده از طرز بنا، تزئین آلات و معماریش باخبر گردیم. بنابراین بطرح نقشه آن مبادرت کرده و بجزئیات وارد شدیم. این بنا مستطیل شکل و طولش متجاوز از دو بیست متر بوده، جلوخانش بطرف جنوب و ایوانش که نمیتوان جایش را صحیحاً مشخص ساخت چند پایه از زمین بلندتر بوده و امروزه پله‌ها تماماً از بین رفته‌اند، تنها از بقایای آن میتوان بقسمت درونی معبد پی برد وقتی از پلکان بالا رویم منتهایش کف معبد است که ورقه عظیم مرمری همزوج با سیمان آنرا مفروض ساخته است. در سمت مغربش مسجد کوچکی بنا شده و بطرف شمال غربی آن کوچه ایست که بهترین و مهم‌ترین قسمت بنا در این گوشه واقع شده است. این قسمت معبد بر روی پایه‌های زیبایی از مرمر سفید بنا گردیده و ارتفاع این پایه‌ها را نمیشود حساب کرد مگر اینکه نیمرخ صاف مشاهده گردد. در این محل بکمی حفاری برداشته شده که گویا در اثر اجازه ندادن ساکنین متروک گردیده است. در این قسمت نه بارچه ستون مرمر سفید یافت میگردد و این ستونها در جزء دیوارهای خشتی خانه‌هاست و اتکالی خوبی برای بناهای اهل محل است. پهنای بنا از قطعه‌ای که بسمت شرق میگردد معلوم میشود و طولش هم از انتهای بالائی پلکان است تا گردشی که از زاویه وجه غربی قسمت شمال می‌پیچد. نیمرخ پایه‌ها و قواعد ستونها بسبک

1— Perse ancienne par Flandin et Coste.

۲— سفرنامه اوزن فلاندن - ترجمه حسین نورصادقی ص ۱۶۱



شکل شماره ۲ - (۱) پلان معبد ناہینا کنگاور. طرح فلاندن - کست



(۲) پلان معبد خورشید پالمیر واقع در شامات

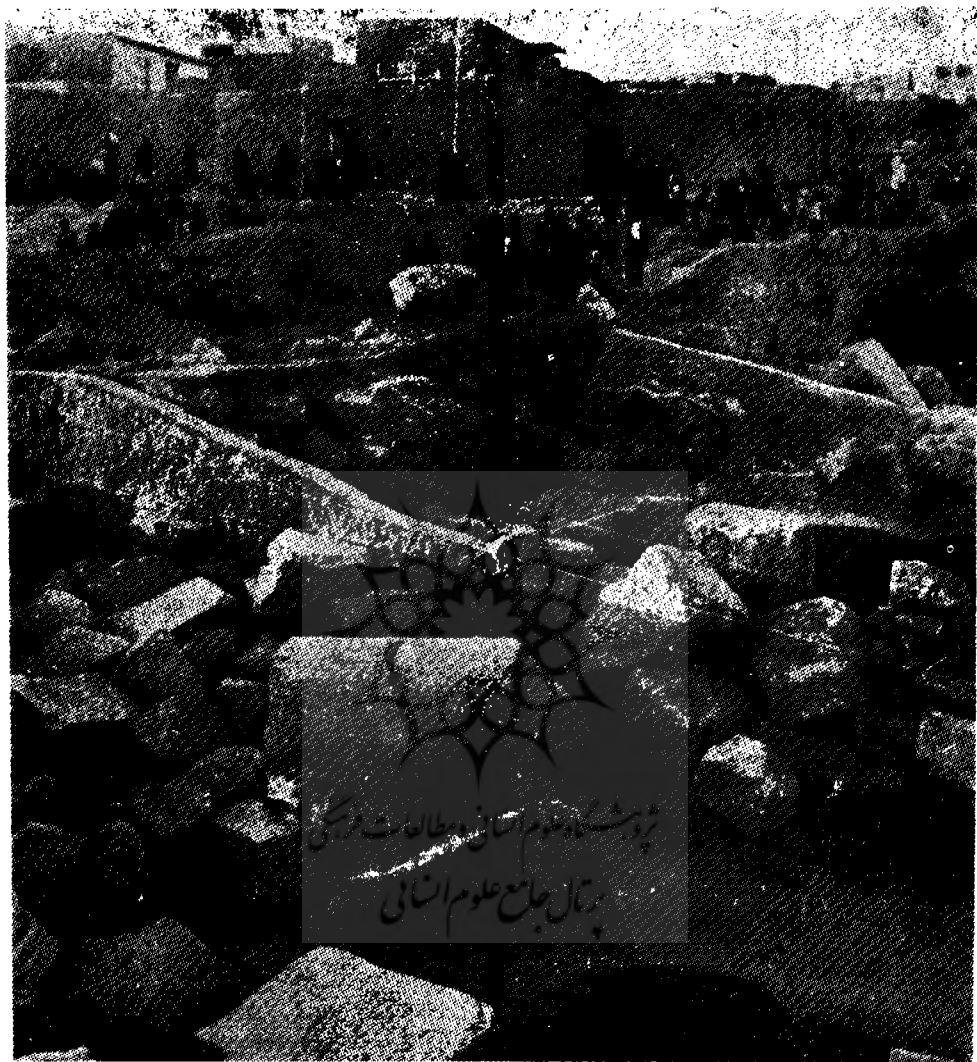
یونانیست و وضع سرستونها را نمیتوان قیاس کرد ولیکن بنظر چنین میآید که طرحی داشته اند. در اولین وهله هر کس تصور میکند که این نیمرخها شباهتی تام با معماری یونانی دارد زیرا که چون جزئیات ناتمام مانده نمیتوان طبقه بندی درستی برایشان قائل گردید اما سرستونهای خیلی پست و خمیده کنگاور با سبک معماری یونان خواص یکسان دارند مثلاً قسمتی از آنها شبیه سبک چهارم «کرتین Corinthien» است که از همه مجلل تر است. بعضی در قسمتهای بالائی خود خطی منحنی بچهاروجه دارند که با سبک معماری یونانیان یکسان است.

اندازه هائی که فلاندن و همکارش از اضلاع معبد داده اند تقریباً با وضع فعلی تطبیق میکند، طول دیوار غربی و شرقی ۲۲۰ متر و درازای جبهه شمالی و جنوبی ۲۳۰ متر است. ولی در جبهه جنوبی پلکان سراسری را ارائه داده اند که درست نیست همچنین در وسط بنا طرح ستوندار معبد اصلی را رسم میکنند که صرفاً تصویری و با توجه و قیاس نسبت به معبد خورشید یا المیر در شامات که یک اثر پارسی - یونانی است، قائل بوجود این معبد در وسط بنا شده اند. فلاندن اظهار میدارد که: «منتهی از پلکان جنوبی که بالا روند کف معبد است که مفروش بمرمریک تخته باسیمان است» و این بدان معناست که احداث بنای کلی معبد را بر روی صفا ای در نظر آوریم: در حالیکه بنای معبد برپشته ای از صخره طبیعی ساخته شده و دیواری بقطر ۱۸/۵ متر در چهار ضلع بصورت مربع مسطیل بر روی آن بالا رفته است.

این دیوار ارتفاعی تا ۸ متر از سطح اراضی اطراف و درپاره ای از نقاط که سطح صخره به پستی و یا بلندی گزاشیده، این ارتفاع تغییر یافته است ارتفاع دیوار در بخش داخلی از رأس تا کف حیاط معبد بالغ بر ۵ تا ۷ متر است. یکر دیف ستون با فواصل ۵۰/۴ متر رأس دیوارهای عریض را در چهار ضلع دور میزند و این ستونها برپایه های خود استوارند و مشرف بر قسمت خارجی بنا میباشند. در حالیکه دو نقاش اروپائی با مقایسه معبد خورشید یا المیر تصور کرده اند، در هر ضلع سه ردیف ستون برپا بوده و مجموع ستونهای که در این معبد قائل به وجود آنها بوده اند (شکل شماره ۲) تا پانصد و پنجاه



شکل شماره ۳ - چندین ترانشه حفاری دریای دیوار شرقی معبد وهم چنین
ادامه آن در داخل معبد



شکل شماره ۴ - چند ترانشه حفاری که تا پای خانه‌های روستائی مردم کنگاور ادامه یافته ، نشان دهنده ادامه دیوار شرقی معبد ، در زیر خانه هاست

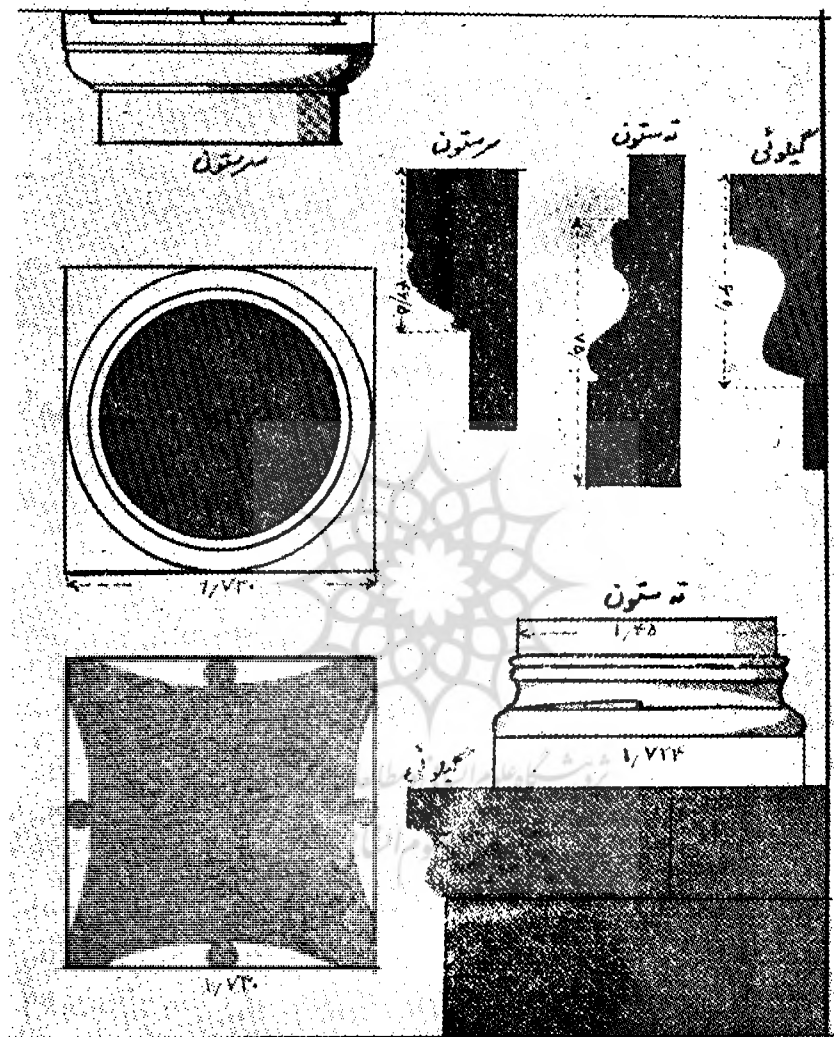
ستون بوده است ، در حالیکه کاوشهای امسال ما تنها یک ردیف ستون بندی را مشرف بر خارج معبد تأیید مینماید و هیچگونه آثاری که دال بر وجود دوردیف ستونهای دیگر در مزرعه باشد در حفاریات ما بدست نیامده و نیز تصور نمیرود که وجود داشته باشد .

کاوش دریای دیوار شرقی معبد :

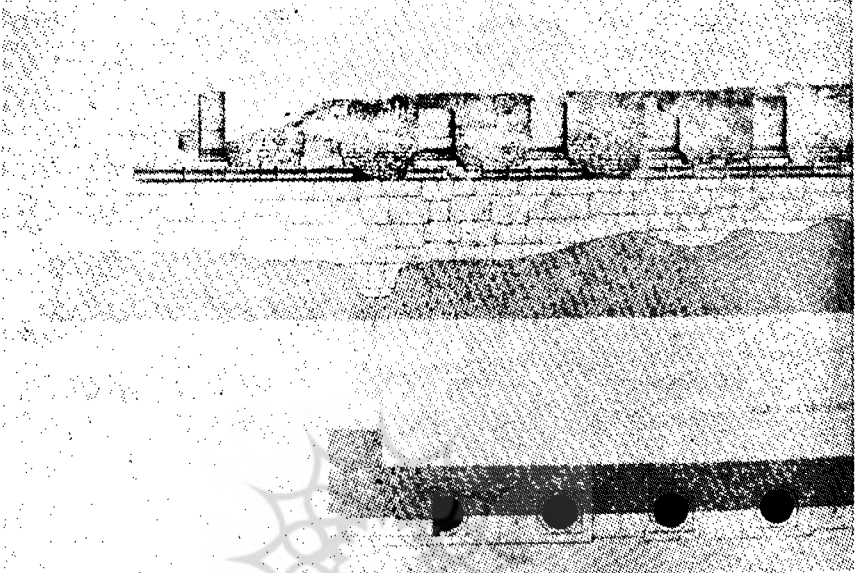
از مجموع تپه ناهید که تقریباً پنجاه و سه هزار متر مربع بنای معبد را در خود مدفون نگهداشته ، بخشی از جبهه جنوبی و منتهی شرقی آن امروزه آزاد است و کاشانه مردمان روستای کنگاور را اشغال نموده است . با اینحال قسمتی از دیوار و بنیان معبد در سه چهارم طول خود در خیابان ناهید (جبهه غربی) و یک سوم در ازای خود در جبهه شرقی و ده متر از طول خود در جبهه شمالی امروزه بیرون از خاک و آشکارا در ته دکانها و خانه ها دیده میشود (عکس هوایی ش ۱)

بهمین جهت هیئت ما بهترین نقطه ای را که برای احداث کارگاههای کاوش انتخاب نمود ، منتهی الیه جبهه شرقی معبد بود . در این قسمت ۶ ترانشه به عرض ۱۰ متر (مجموعاً ۶۰ متر) دریای دیوار شرقی حفر گردید . (ش ۳ و ۴) در هر ترانشه یکارگاه ۱۰ متری دو ستون و منضعات آنها که عبارت از سه ستون و سر ستون و گیلوئی و تخته های حجاری سقف (رخ بامها) مجموعاً دوازده ستون و منضعات آنها ، از خاک بیرون آمدند . از دوازده ستون ، نه ستون سالم و سه ستون وسیله کوره یزان از بین رفته و بقایائی از آنها بجای مانده است و بهمین ترتیب نیز چندتائی از اجزاء ستونها از بین رفته و نابود شده است و بطور کلی از مجموع مصالح ۳۰ درصد از میان رفته است . در این بخش شصت متر از دیوار شرقی مشخص و از خاک آزاد گردید ، قطر دیوار در اینجا ۱۸/۵ متر و پوشش نمای ، خارجی دارای سنگهای حجاری شده است که ابعاد پاره ای از آنها ۲ × ۱/۶۰ متر^۱ است ، این سنگها

۱ - سنگهای تراشیده با حجم زیاد در قسمت فوقانی دیوار قرار داده شده و بنیان دیوار از سنگهای تراشیده کوچک ردیف شده است و علت عدم مقاومت دیوار در مقابل زلزله ، سنگینی قسمت فوقانی آن بوده است .



شکل شماره ۵ - پلان از سرستون ها و تہ ستون ها و گیلوئی های معبد ناهید کنگاور (اقتباس از طرح فلاندن - کست)



شکل شماره ۶ - طرح فلانندن - کسنت ، ستون بندی معبد ناهید

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بصورت «خشک چین» و بگونه تراورتن بر رویهم قرار گرفته و دنباله های آنها در ملاط کچ بی فرورفته اند. پاره های سنگ را چنان بدقت چهار گوش ساخته و صیقل داده اند که هر پاره، پاره دیگر را بخود گرفته و چون يك قطعه واحد بنظر می آید. قطر دیوار بوسیله سنگهای لاشه و قلوهای بسیار بزرگ که در پاره ای موارد تاشش قن میرسند با ملاط کچ آمیخته و پر شده است و این بی قطور جز در نقاطی که وسیله کوره یزها و متجاوزان جهت برداشت کچ و سنگ های آن تخریب شده لطمه دیگری ندیده و بنیان آنها سلامت است.

فرم ریزش و ویرانی ستونها و پوشش حجاری دیوار مؤید آنستکه زلزله عظیمی این محل را بکام کشیده است، ولی با محدودیت حفاری امسال، نمیتوان گفت که این زلزله ۱ چه وقت نازل شده است.

قطر پایه ستونها ۱/۸۰ متر و ۱/۷۲ متر و قطر ستونها متفاوت است، بعضی ۱/۴۵ متر و برخی ۱/۳۷ متر است. بدنه ستونها بهمین ترتیب ۱/۴۵ متر و ۱/۳۷ متر قطر دارند. ارتفاع کیلوثی ها ۶۰ سانتیمتر و پایه ستونها ۷۵ سانتیمتر و سرستون ها ۶/۵ سانتیمتر (شکل های ۶ و ۷). ارتفاع ستون های اصلی (بدنه ستون) را فعلا نمیتوانیم محاسبه نمائیم، زیرا اندازه های مختلفی دارند. بعضی در حدود ۱/۶۰ متر و برخی بالغ بر ۲/۴۰ متر ارتفاع دارند، ولی در اصل و وقتیکه برپا باشند همه در يك سطح قرار میگیرند. آنها که کوتاه ترند با بدنه سرستونها و ته ستونها بسطح مطلوب رسیده و آنها که بلند ترند، در عوض سرستونها و ته ستونها فاقد بدنه می باشند و این امر نتیجه سنگبریهای اولیه از کوه بوده است که سنگهای آهکی لایه شده را در کوهستان چگونه با حجاری مورد نظرشان (ستون و اجزاء آن) وفق داده و چون قادر نبودند که سنگها را با اندازه های مطلوب از کوهستان بدست آورند، سنگها را

۱ - در سال ۱۳۳۶ شمسی نیز زلزله ای در کنکاور حادث شده و تمام خانه های روی معبد را ویران نموده که مجدداً وسیله اهالی خرابیها ترمیم شده است.

با ابعاد و اندازه‌ها تطبیق داده اند و بهمین جهت مشاهده میشود که اندازه‌ها همه یکسان نبوده و اختلافات جزئی با یکدیگر دارند.

ارتفاع يك مجموعه ستون بندی از کیلومی قارخ بامها (سقف) بنظر میرسد که نزدیک به $4/50$ متر باشد ولی این ارتفاع دقیق نیست و ممکن است تا ۵ متر نیز برسد و چنانچه بلندی ۸ متری دیوار را که بر رأس خود ستونها را تحمل میکرده بدان اضافه نمائیم، ارتفاعی بالغ بر ۱۲ تا ۱۴ متر از سطح اراضی اطراف داشته است: یکرديف ستون مشرف بر بخش خارجی معبد چهار ضلع بنا را دور میزده و باین بنا وحدت می بخشیده است. فاصله هر دو پایه ستون نسبت به یکدیگر $4/50$ تا $4/78$ متر بوده است. اکنون چند ستون بر لبه خارجی دیوار در غرب معبد واقع در خیابان ناهید بریاست که تنها یکی از آنها بر پایه خود در حد فاصل دیوار امامزاده ابراهیم کاملاً دیده میشود و بقیه بوسیله کاهگل استتار شده اند. ساقه ستونها مدور و استوانه‌ای و پایه و سرستونها دارای تزئینات و شال‌های مدور (دوریک) میباشد - عموم ستونها و اجزاء آن صیقلی شده است و بر خلاف نظر فلاندن و گت از جنس مرمر نبوده بلکه از سنگهای آهکی کدر و ساده می باشند و یکی از محلهای اصلی آنها در دو کیلو متری مغرب تپه آناهیتا واقع در دره‌ای بنام «چل مران»^۱ است که هم اکنون تعدادی ستون و سر ستون و پایه ستون که قابل مقایسه با ابعاد حجاریهای همین معبد است با تراشهای خشن و اولیه، در آنجا که کوهی مشرف بر روستای «دوله» دارد، باقی است که بقایا و بازمانده‌های خارج از اندازه و حجم مصالح معبد ناهید بوده اند، و کاملاً مشهود است که کوه‌بری و تراشهای اولیه و خشن مصالح در اینجا داده شده و پس از حمل آنها در پای ساختمان بحجاری و صیقل آنها پرداخته اند. بهنگام حمل و نقل این سنگها و یا پرداختهای بعدی چنانچه در آنها حباب هوا و شکستگیهای حادث شده بوسیله سرب مذاب پرو پرداز شده اند.

۱ - در اصطلاح محلی: چل = خل و دیوانه و «مران» را دره و مجموعاً آنرا «دره دیوانه» میگویند.

عقایدی راجع به معبد ناهیدکنگاور :

گیرشمن معبد کنگاور را مخصوص پرستش آرتیمیس (آناهیتا)^۱ میدانند و آنرا با معبد کرهه و بقایای معبد لائوریسه نهند در دوران سلوکیها طبقه بندی نموده و طرح آنرا غربی میدانند که در ۲۰۰ قبل از میلاد ساخته شده است. لوئی و اندنبرگ باستانشناس بلژیکی در کتاب خود تحت عنوان «باستانشناسی ایران باستان» این معبد را مربوط به ۲۰۰ قبل از میلاد مسیح دانسته و آنرا در دوران سلوکیها رده بندی نموده و میگوید: «از معبدی که برای الهه آناهیت در این محل ساخته شده بود بیش از چند ستونی باقی نمانده^۲ که برای ساختمان خانه های شهر بکار برده شده است. ساقه این ستونها صاف بوده و سرستون آنها از نوع سرستون «دری» میباشد که روی آن يك «بالش کرفتی» قرار داده اند.^۳

مرحوم پروفیسور هرتسفلد معبد کنگاور را از زمان اشکانیان میدانند و آنرا از بزرگترین معابد دنیای قدیم محسوب داشته و میگوید: «آبادی کنونی کنگاور فقط قسمت وسطی معبد را گرفته است. خرابه باشکوه این معبد عبارتست از پشته ای که ۶۴۰ پی طول و ۵۴۴ پی عرض آن میباشد و در اطراف آن ایوانی به پهنای ۴۴ پی با ستونهای بلند ساخته شده بود و هنوز چند ستون در گوشه شمال شرقی معبد بریاست. در این بناها صنعت معماری ایران و یونان دیده میشود.»^۴

حسن مشیرالدوله (پیرنیا) میگوید^۵: «این بنای وسیع را در عهد

۱ - ایران از آغاز تا اسلام - گیرشمن - ترجمه دکتر معین - ص ۲۷۰

۲ - در حفاریات امسال دوازده ستون در کارگاههای ما از خاک بیرون آمد و این دوازده ستون بیست و چهار سرستون و نه ستون و بیست و چهار گیلوئی و رخ پام دارند که ۳۰ در صد مجموع این مصالح از بین رفته است.

۳ - باستانشناسی ایران باستان - لوئی و اندنبرگ - ترجمه عیسی بهنام -

انتشارات دانشگاه

۴ - یشتها - ادبیات مزدیسنا - جلد اول - پورداود - ص ۱۷۱

۵ - ایران باستان - کتاب نهم - اشکانیان - ص ۲۷۰۱

اشکانیان ساخته بودند و مشتمل بود بر تلاری در وسط و رواقی بسبک یونان در اطراف .

در حفریاتی که برای اولین بار در معبد ناهید در سال جاری انجام گردید، چندین دوره قبور اشکانی در خاک بکر این معبد کشف گردید که حاکی از علاقه این قوم نسبت به این پرستشگاه عظیم بوده است - در دستیابی و معاینه خاکهای طبقات قدیم این تپه که در ترانشه‌های حفاری بعمل آمد حتی يك نمونه كوچك از آثار هلنی هم^۱ بدست نیامد - ستونهای حجاری شده از نظر فرم و اندازه با اندازه‌هاییکه در حجاریهای یونان مرسوم بوده کاملاً متفاوت است. در یونان و در بنای پارتنون (۴۴۷ قبل از میلاد) ارتفاع ستون پنج برابر قطر آن میباشد که بوسیله فیدياس عمل شده و در یوزئیدونیا ارتفاع ستون چهار برابر آنست. در حالیکه ستونهای کنگاور ارتفاعی از ۲ متر بیشتر ندارند و قطر آنها ۱/۵۰ متر است و درجات انحراف از استیل و سبک معمول یونان بسیار زیاد است. سرستون و ته ستون در حجاری های این معبد تقریباً باشال‌های خود شباهتی با استیل «دوریک» دارا هستند و سبک حجاری سرستون به تنهایی نمیتواند معیاری بر یونانی بودن بنا باشد و چه بسا که از مهندسان و استادکاران یونانی بواسطه روابط نزدیک که در این زمان موجود بوده استفاده بعمل آمده است.

دفن اموات :

در پای دیوار شرقی معبد ناهید مردگان دفن شده‌اند. طرز تدفین در این بخش کاملاً متفاوت و گونه گون است. حال چرا در پای دیوار شرقی اموات را بتخاک سپرده‌اند، احتمالاً بجهت قرب و همجواری با این پرستشگاه بوده و این گرایش است که امروزه نیز از جانب مسلمانان نسبت بدفن امواتشان در جوار ویاصحن مقابر متبرک وجود دارد و شاید بی‌ارتباط با این سنتهای قدیمی نباشد.^۲ اقوام باستانی و دورانهای تاریخی از نظر احترام و تقدیسی که نسبت

۱ - منظور از آثار هلنی، بقایای سفالینه‌ها و یا مدارکی از دوران سلوکی - یونانی است.

۲ - دفن اموات هم امروزه در صحن امامزاده ابراهیم که گوشه شمال غربی معبد ناهید را اشغال نموده معمول است.

بمظاهر طبیعی و عناصر قائل بودند، در جوار رودخانه‌ها و کوهستانها و قلل پر برف و سراپها و چشمه‌ها و قهپ‌ها بزنگی پرداخته و اموات خود را بخاک می‌سپردند و همچنین دفن اموات رو بمشرق و محل طلوع آفتاب که از قدیمترین ایام متداول بوده مبتنی بر ادیان ابتدائی آریائی، پرستش خورشید، ماه، زمین، و آسمان است که بتدریج منتهی به نوعی وحدت خواهد شد. چند سال پیش در مغان^۱ آذربایجان قبور پارتی مورد حفاری و بررسی و تحقیق نگارنده قرار گرفت. در این قبور اموات را در خمره و رو بخورشید دفن کرده و بر دهانه خمره‌های تدفین، خورشید را نیز نقش کرده و یا مرده را درون پارچه‌ایکه بمنزله کفن و مزین به نقش خورشید^۲ است پیچیده و در خمره بخاک سپرده‌اند و بنظر اینجانب این طرز تدفین نشانی از پیوستن بخورشید (مهر) است.

در معبد ناهید کنگاور صورت اموات رو بمعبد قرار داده شده ولی محل تدفین مشرق انتخاب شده است.^۳

جهت و نوع مقابر در معبد آناهیتا :

سه نوع مقبره و تدفین در این معبد تشخیص داده شد :

نوع اول: که مربوط به قبل از میلاد مسیح است. صخره طبیعی را بابعاد ۶۰ × ۲۰۰ سانتیمتر کنده و مرده را درون آن بحالت خوابیده و طاق باز، صورت رو بمعبد^۴ و جهت شرقی - غربی دفن کرده‌اند در بعضی موارد دست

- ۱ - رجوع شود به مقاله نگارنده - قبور پارتی مغان (آثار و بقایای دهکده‌هایی پارتی) شماره یکم سال دوم ش ۳ - ص ۲۸ مجله بررسیهای تاریخی
- ۲ - تکه‌ای از پارچه با نقش سواستیکا (گردونه خورشید) در یکی از قبور خمره‌ای پارتی مغان کشف گردید و اینک در موزه ایران باستان بین دو شیشه حفظ گردیده است (شماره یکم سال دوم مجله بررسیهای تاریخی عکس شماره ۱۳)
- ۳ - احتمالاً در تمام معوطه شرقی معبد اموات پارتی دفن شده‌اند زیرا در ۶۰ متر آن جابجا این مقابر وجود دارند.
- ۴ - بدون استثناء در تمام مقابر کنده شده در صخره و یا تابوت و خمره صورت اموات بطرف معبد قرار داده شده است.

چپ مرده بحالت احترام برروی سینه قرار داده شده است و این نوع دفن قبلاً در دوره هخامنشی نیز معمول بوده است .

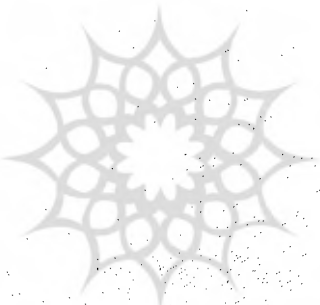
دریکی از قبور که بترتیب فوق مشخص گردید ، سکه‌ای از اردیاشاه اشکانی (۵۶ تا ۳۷ قبل از میلاد) در زیر بدن مرده بدست آمد که از نظر تاریخ-گذاری کمک بسیار بزرگی برای ما بوده است و تقریباً این قبور را قبور با شناسنامه، نامیدیم . و در قبور دیگری از همین نوع سفالینه‌های مشخص اشکانی از قبیل قمقه‌ها ، پیاله ها و کوزه ها بدست آمدند که عموماً اختصاصات هنر سفالسازی دوران پارت را دارا میباشند .

دریکی از قبور و در حوالی گوش مرده ، گوشواره‌های زرینی بدست آمد که دسته‌های تزئینی این گوشواره‌ها مجسمه انسان بالنداری را القاء میکنند که بر بالای سر نقش گل رزاس، شش‌پردارند . گل رزاس مقدس و مورد احترام این قوم بوده و در بیشتر نقوشی که منسوب به آن‌هاست دیده شده است . دسته تزئینی گوشواره‌ها که مزین به انسان بالندار و گل رزاس که از ویژگی‌های ناهیداست، القاء یکی از خدایان مهم پارتی است که ارتباط و نزدیکی فراوانی با ناهید دارد. این نوع قبور قدیمترین مقابری است که مادر حفريات سال جاری شناخته ایم . (شکل‌های ۷ و ۸)

نوع دوم : قبوری که مربوط به بعد از میلاد مسیح و جدیدتر از مقابر نخستین است .

در این دوره اموات را در تابوتهای سفالین بدون لعاب و زینت بطول ۳۵ × ۲۱ سانتیمتر و زرفای ۲۵ سانتیمتر قرار داده و تابوت را در محوطه‌ای بهمین اندازه که در صخره طبیعی کنده شده دفن کرده و روی تابوت را بوسیله درپوش سفالین و یا ورقه‌های سنگ آهک مسدود نموده‌اند . جهت این تابوتهای نسبت بقبور نوع اول شمال- جنوبی است . مرده طاق باز و صورت بطرف معبد قرار داده شده است کودکان در تابوتهای کوچکتر دفن شده‌اند .

نوع سوم : که برای دفن میت از خمره‌های سفالین استفاده شده است ؛ بدین ترتیب که مرده را درون خمره بحالت طاق باز و صورت بطرف معبد



روزشماره علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال چهارم علوم انسانی



شکل شماره ۷ - یک جفت گوشواره طلا مزین به مجسمه انسان بالدار که در بالای سر نقش گل رزاس شمشیر دارد . مکشوفه از قبور پارسی معبد آناهیتا



شکل شماره ۸ - محل کشف گوشواره‌ها

قرار داده و در همان جهت که تابوتهای سفالین را دفن نموده اند در گودی صخره گذارده و دهانه خمره را بوسیله يك تخته سنگ مسدود کرده اند .
این نوع تدفین و وسیله دفن را نه تنها در این ناحیه دیده و در آن کاوش کرده ایم بلکه قبلاً نیز در ناحیه مغان آذربایجان مورد بررسی و تحقیق قرار داده ایم^۱ .
گیرشمن راجع بمقابر پارتنی خارج از سرحدات ایران میگوید :^۲ «در نیپور، کاکزه ، دورا ، و اوروپوس، گورستانهای پارتنی نشان داده است که در آنها اموات را بالوازم تدفین در تابوتهای سفالین دفن کرده بودند : تابوتهای مزبور غالباً لعاب کاری شده و مزین بنقش برجسته معرف ربه النوعی عریان است و دانشمندان آنرا ناهید میدانند » .

می بینیم که در گورستان پارتنی معبد ناهید تحول و انتقالی از دفن در خاک بگر و صخره ، به تابوت و خمره میت و همینطور تغییر جهت اموات در گورستان این معبد وجود دارد که احتمالاً نشانی از انتقال و تحول و یارستاخیز مذهبی است . در قبور مغان آذربایجان نیز این انتقال دیده شده است .

گیرشمن نیز در مقابر سکنه شوش در پایان قرن اول یا در آغاز قرن دوم مسیحی نوعی از این انتقال و رستاخیز را مشاهده کرده است^۳ .

بنظر میرسد که نفوذ عقاید زردشتی در بعد از میلاد مسیح در قوم پارتنی سبب اصلی دفن اموات در تابوت و خمره های سفالین است که عدم آلودگی خاک بوسیله اجساد نظر اصلی بوده است و این انتقال و تحول مذهبی^۴ مرحله آغاز گام بعدی است که اموات را در فضای باز و ستودانها برای لاشخورها و مرغان هوا عرضه میکنند .

۱ - رجوع کنید به مقاله نگارنده - آثار و بقایای دهکده های پارتنی - (مجله بررسیهای تاریخی شماره یکم سال سوم)

۲ - ایران از آغاز تا اسلام - ترجمه دکتر معین - ص ۲۷۱

۳ - ایران از آغاز تا اسلام - ترجمه دکتر معین - ص ۲۷۱

۴ - بنظر میرسد که پارتنها در طول ۴۷۴ سال حکومت همواره دستخوش تحولات مذهبی بوده اند - روابطنی که با رم وجود داشته و نهضتها و دخالتهای این امپراتوری نیز اثراتی بر حکومتهای پارتنی از خود بجای نهاده است و با این ترتیب دوره پارتنی از نظر عقاید مذهبی کاملاً مغشوش و مضطرب است .

بقایای ساسانی و اسلامی

بر روی تأسیسات معبد ناهید فعل و انفعالاتی در دوره ساسانی بعمل آمده که دو کار گاه کوچک ما که در داخل معبد ویای دیوار داخلی حفر گردیده بعلمت قلت محوطه حفر نتوانست نشان دهنده فرم و شکل این تأسیسات باشد. تنها لایه‌ای که از این دوران بجای مانده و همینطور سفالینه های پراکنده و مصالح قلیل در این لایه دلالت بر سکونت و استقرار مردم ساسانی در این محل میکنند و از این دوره بیعد نیز آثار دیوار و شالوده‌های آجری دوران اسلامی بانضمام بقایای سفالین زمان کاملاً مشهود است.

لایه‌های سوخته که اثر آتش‌سوزی میباشد بقطر ۲۵ سانتیمتر در پیای دیوار شرقی و در انتهای دوره ساسانی مشاهده میشود و مؤید آنستکه اقوام اسلامی که بر روی تأسیسات ساسانی مستقر شده، مسکن ساسانی را به آتش کشیده‌اند. در تمام طول ترانسه‌ها این لایه ۲۵ سانتیمتری سوخته وجود دارد. در حقیقت پایه و بنیان ساختمانهای فعلی مستقر بر فراز معبد ناهید از اوایل اسلام است و منتهی بجهت زلزله‌های مداوم چندین بار تغییر شکل داده‌اند. آتش‌سوزی و تخریب بخشی از این معبد مربوط باوایل تسلط اعراب در نواحی غرب ایران است.

از سیاحان و جغرافی نویسان قدیمی «ابودلف»^۱ در باره این محل چنین میگوید: «... از آنجا به قصر اللصوص» (کاخ دزدان) محل کنگاور امروزی رفتم. ساختمان این کاخ بسیار عجیب است و بر روی يك ایوان آجری که بیست یا از زمین بلندتر است بنا شده. در این کاخ ایوانها و گوشکها و خزانه هائی است که از آنچه گفته شد عالی تر و باشکوه تر است.

زیبائی ساختمان و نقشهای آن دیدگانرا خیره میسازد. این کاخ بواسطه فراوانی شکار و گوارائی آن... مرغزارها و دشت‌های باصفای اطراف آن دژ محکم و نزل و گردشگاه مخصوص پرویز... در نزدیکی آن شهر بزرگی است

۱ - سفرنامه ابودلف در ایران ۳۴۱ - هجری - رلدبیر میر. روسکی - ترجمه

سید ابوالفضل طباطبائی - ص ۶۵

که يك مسجد دارد . از آنجا بمکانی که به آشپزخانه^۱ خسرو معروف است و چهار فرسخ ناقصر اللصوص فاصله دارد رفته

در آثار البلاد^۲ چنین آمده است : « . . . مسکن کسری پرویز بوده است و . . . بنیان آن صد ذرع در صد ذرع و ارتفاعش از سطح زمین بیست ذرع و از يك پارچه سنك ، دارای ایوانها و حجره ها و گوشکها ، دارای خزاین و ستونهای سنگی است که بیننده از ساختمان وزیباتی نقوش آن متحیر میماند . و در معجم البلدان^۳ اینطور میآید : « در زمان فتح نهاروند وقتیکه سپاه مسلمین وارد همدان میشد چهار پایانی از سپاه مسلمانان بوسیله ساکنان قصر کنگاور دزدیده شد و بهمین جهت اعراب بدین محل « قصر اللصوص » (قصر دزدان) نام دادند و ذکر شده از مسعر بن مهلهل که این جا قصری بوده از سطح زمین بیست ذرع بلندتر که چشم انسان از بنا وزیباتی نقوش آن خیره شده و اینجا در اصل قصر شیرین^۴ و منزل و مسکن پرویز (خسرو پرویز) بوده است .

شواهد فوق گواهی است بر اینکه در زمان حمله اعراب و رفت و آمد آنان بمتصرفات خود در نهاروند و همدان ، بنای ناهید حالت قصری دایره یانیمه دایره داشته است که اعراب « قصر اللصوص » نام برده و شاید سوختن و ویران ساختن آن در نتیجه عصبانیت اعراب بواسطه هجومها و حمله ها و شبیخونهایی بوده که از این سنگر بقوافل عرب وارد میآمده است .

راجع به استقرار اقوام ساسانی در روی آثار قدیمتر قبلا ذکر شد که آثاری از این دوران بدست آمده است .^۵ در بین این آثار قطعه سنگی است که دو حرف

۱ - منظور ابودلف از آشپزخانه خسرو ، احتمالا تپه و بقایای ساختمانی قدیمی تپه کارخانه است که در چهار کیلومتری تپه ناهید وجود دارد و هم از تپه ناهید دیده میشود . و در بین اهالی کنگاور شایع است که تپه کارخانه آشپزخانه معبد ناهید بوده است .

۲ - آثار البلاد و اخبار العباد - ذکر یابن محمد بن محمود القزوینی - ص ۴۴۸

۳ - معجم البلدان - یاقوت حموی - جلد ۱۵ ص ۳۶۳

۴ - بنظر میرسد ذکر شیرین معشوقه خسرو از این روی آورده شده که نسبت خسرو پرویز را به قصر برساند .

۵ - پاره سفالهایی از این دوران جمع آوری شده است .

پهلوی ساسانی در روی آن منقور است و این دو حرف (4) پا-فا-پی-فی، خوانده می‌شود و نظر یکی از متخصصان خط‌شناس اینستکه احتمالاً مخفف «پرویز» و یا «پیروز» میتواند باشد و اهمیت بیشتر این سنگ در این استکه وجود تأسیسات دوره ساسانی را در این بنا ثابت میکند. چون سنگ مزبور یکی از مصالح کار شده در طبقات دوران ساسانی این معبد بوده و از نظر مدرک و سند قلیل است، حفاریات سال آینده این امکان را خواهد داد که بیشتر از این راز برده برداشته شود.

ضمن خاکبرداری از تراش‌های حفاری، تعدادی از سنگهای لاشه و قلوه‌ای که از «توکار» دیوار ریزش کرده آشکار شد که دارای نقوش محکوک : ستاره خورشید، بز گوهی، نقشهای هندسی، گیاهان و غیره میباشد که بگمان ما اینها مصالحی است که برای احداث بنا بصورت هدایا وسیله اشخاص باین محل آورده شده و این نقوش، علامات خانوادگی هدیه کنندگان است؛ چون برای ساختن بنائی بدین عظمت و وسعت با دیوارهایی بقطر ۱۸/۵ متر و بار تقاع ۸ متر و بابعاد ۲۲۰ × ۲۳۰ متر صدها هزار فرسنگ لازم بوده که طبیعتی ترین نوع تأمین این مواد استفاده از کمک همگانی و هدیه و وقف معتقدان بوده است، همچون ساختمان مساجد و مراکز خوریه فعلی که مؤمنان و مبنائی خیر تعهد کمکهای مادی، نقدی و یا جنسی را مینمایند. والا تصور نمی‌رود ایرانیان برای ساختن بناهای عظیم از شکنجه و شلاق استفاده کرده و بزور متوسل میشده‌اند. در روی لوحه‌های گلی که از تخت جمشید کشف شده ضوابطی راجع بمزد، استادکاران، معماران، کارگران، و کار گزاران احداث این کاخ منقور است که نشان میدهد که پارسیان در ساختن ابنیه مهم دارای آن خصوصیتی نبودند که از طرف مثلا مباشران چینی در بالا بردن دیوار چین و یا فراغه مصری در ساختن اهرام معمول میشده است.^۱

یکی از صاحب نظران و مهندسان تعمیرات ابنیه تاریخی پس از رؤیت این

۱ - بر فلک افراشت سرگر پیکر دیوار چین ای بسا تن شد دفین در پای این دیوارها
تارک اهرام فرعونان به کیوان سود، لیک بس عزیزان را که جان شد در سربیکارها
باستانی یاریزی ص ۱۲۵ - خاتون هفت قلعه

علامات منقور بر روی این سنگها معتقد بود که اینها مهر و علامت معماران و یا حجاران بوده است. در حالیکه اگر قائل بعلامت معمار باشیم بعلت کثرت این علامات که در طول ۶۰ متر حفاری دریای دیوار در روی سنگهای ریخته، لااقل بین ۳۰ تا ۴۰ علامت را تشخیص داده ایم که هر چه در طول دیوار پیش رویم تعداد آنها زیادتر خواهد شد و بنابراین معمارانی بدین کثرت قاعدتاً بایستی بنارا کج بسامان برسانند. و اگر قائل بعلامت حجاران باشیم هیچیک از این سنگهای دارای نقش و علامت منقور حجاری و صیقلی شده نیستند و عموماً لاشه ها و قلوه های بین دو تاشش تن میباشند که فقط بمصرف پی و توکار دیوار رسیده و آمیخته با کج کشته و هیچگاه دیده نمیشده اند و علت ریزش این سنگها در این بخش و در جبهه جنوبی، تخریب دیوار و سیله کوره پزان بوده است.

معابد ناهید در ایران و توصیف آنها:

مورخان یونانی «آناهیت» را «آنائیتیس Anaitis» نوشته اند و غالباً او را «آرتمیس Artemis» آنائیتیس گفته و اسم الهه عصمت و عفت یونانی را با او داده اند و مورخان رم و بیزانس او را «دیانا Diana» خوانده اند.^۱

«ایزیدور خارا کسی»^۲ جغرافیا نویس یونانی در سال ۳۷ میلادی معبد کنگاور را مخصوص پرستش آرتمیس دانسته و از خزائن و نفایسی که در معبد ناهید همدان و این معبد وجود داشته صحبت میدارد.

آناهیتا یا ناهید طبق ضوابطی که وجود دارد؛ الهه آب، فراوانی و برکت، زیبایی و تناسل بوده و از زمان سلطنت اردشیر دوم شاهنشاه هخامنشی (۴۰۴-۳۵۹ پیش از میلاد مسیح) معابدی برای این نام برده شده است، از جمله معبد ناهید استخر.

در چندین کتیبه مهخی این شاهنشاه از آنها با این ترقیب نام میبرد^۳ :
 «پادشاه بزرگ اردشیر شاهنشاه، پادشاه ممالک، پادشاه این زمین، پسر داریوش

۱ - ادبیات مزدیسنا - یشتها - پورداد - ص ۱۷۳ (اله شکار)

۲ - Isidorus von charax

۳ - این کتیبه در شوش روی ستون یک صفا پیدا شده است - یشتها - پور داود

دوم) داریوش، پسر پادشاه اردشیر (اول) اردشیر، پسر پادشاه خشیارشا و خشیارشا، پسر پادشاه داریوش (اول) داریوش، پسر گشتاسب هخامنشی میگوید: این ایوان را داریوش (اول) جدم بنانهاد. در زمان اردشیر (اول) پدر بزرگ من آتش آنرا ویران کرد بنا بخواست اهورامزدا و آناهیت (ناهید) و مترا (مهر) من دوباره این ایوان را ساختم.

در روی پایه ستونی در همدان کتیبه دیگری از اردشیر دوم بدست آمده که میگوید: «... این ایوان را من بخواست اهورامزدا و آناهیت و مترا بنا کرده ام. بشود که اهورامزدا و آناهیت و مترا را در پناه خود گرفته از هر کینه و خصومتی حفظ کنند»^۱

اهمیت ناهید در زمان پارتیان باعلی در جه خرد میرسد، بطوریکه معابدی برای این الهه در این دوران نام برده شده است. معروف است که تیرداد اول در شهر ارشک در یک معبد ناهید، تاجگذاری میکند و در همدان مقر تابستانی شاهان پارت معبدی از ناهید برپا بوده که «پلی بیوس Polybius» در قرن دوم پیش از میلاد در کتاب تاریخش بدان اشاره میکند و همین معبد را آنتیوخوس بزرگ (۲۲۳-۱۸۶ ق.م) در زمان اردوان اول (اشک سوم) غارت کرده است.

«پلی نیوس Polynius» مورخ رومی که در سال ۷۹ میلادی در گذشته می نویسد که در معبد ناهید شوش یک مجسمه بسیار سنگین ناهید از طلا برپا بوده که در اوقات جنگ سردار رومی آنتوان، در زمان فرهاد چهارم (۳۷-۱ میلادی) بغارت رفت^۲.

آناهیتا یا ناهید^۳ باشکال و صور گوناگونی تا کنون دیده شده است، قدیمترین صورت ناهید، ایشثارونانا یا نوع سامی آن؛ زن برهنه ایست گاه با تزیینات کیسو و گردن بند و دستبند با پستانها و کفلهای رشد کرده که با

۱ - یشتها - ادبیات مزدیسنا - جلد اول - پورداود - ص ۱۶۸

۲ - ادبیات مزدیسنا - یشتها - جلد اول - پورداود ص ۱۷۰

۳ - در مورد توصیف ناهید و قلاع ناهید آقای دکتر ابراهیم باستانی پاریزی تحقیق بس جامعی کرده اند که تحت عنوان «خاتون هفت قلعه» بچاپ رسیده است و برای اطلاعات جامعتر باین کتاب مراجعه فرمائید.

دو دست پستانهای خود را میفشارد و گاهی فاقد تزئینات و اقسام آنها از گل پخته و یا برنز از نواحی شوش و لرستان بوفور کشف شده و امروزه در موزه ایران باستان این انواع وجود دارند .

گیرشمن پلاکی منقوش به زن برهنه‌ای را که از حفریات شوش بدست آمده ارائه میدهد که الهه ناهید است و آن زن پستانهای خود را میفشارد و شیر آنرا در جامی میریزد .^۱

همچنین يك پلاك برنزی مربوط به دنباله يك سنجاق که از لرستان کشف شده الهه نانا یا «ناهید» را نشان میدهد که پستانهای خود را در دست گرفته و میفشارد و کفلهای خود را بحالت زایمان باز کرده و فرزند زائیده است ، در دو طرف این الهه دو قسج نقش شد و در اطراف پلاك گل رزاس دیده میشود .^۲

در آبان یشت الهه ناهید چنین توصیف شده است^۳ : «زنی جوان ، خوش اندام و بلند بالا و برومند و زیبا چهر ، آزاده و نیکو سرشت ، بازوان سفیدوی به ستمبری شانهاش ، با سینه‌های برآمده و کمر بنده تنگ در میان بر بسته ، در بالای گردونه خویش مهار چهار اسب یکرنگ و یک قد را در دست گرفته میراند ، اسبهای گردونه وی عبارت است از باد و باران و زاله . ناهید با جواهرات آراسته تاجی زرین بشکل چرخ که بر آن صد گوهر نورپاش نصب است بر سر دارد ، از اطراف آن نوارهای پرچین آویخته . طوقی زرین دور کردن و گوشواره‌های چهار گوشه در گوش دارد . کفشهای درخشان را در باهای خود با بندهای زرین محکم بسته ، جبهه‌ای از پوست سی‌بیر که مانند سیم و زر میدرخشند در بر نموده ، جامه زرین پرچین در بر کرده ، در بلندترین طبقه آسمان آرام دارد . اهورامزدا در کره خورشید مقام او را برقرار نمود .

۱ - یارت و ساسانی - گیرشمن - ص ۱۰۳ - تصویر ۱۱۷

۲ - هنر ایران - آندره گدار ص ۶۳ تصویر ۷۸ و ۷۷

۳ - ادبیات مزدیسنا - یشتها - جلد اول - پورداود - ص ۱۶۷

بفرمان پروردگار ، ناهید از فراز آسمان ، باران و تگرگ و برف و ژاله فرو بارد . از اثر استغاثه پارسایان و پرهیز کاران از فلک ستارگان یا از بلندترین قله کوه (هگر) بسوی نشیب شتابد . نطفه مردان و مشیمه زنان را پاک کند، زایش زنان را آسان سازد ، شیر را تصفیه نماید ، بگله ورمه بیفزاید ، سراسر کشور از یرتو آواز خوش و نعمت و ثروت برخوردار گردد .

امروزه نیز افسانه‌هایی در بین ساکنان کنگاور و تپه آناهیتا جریان دارد و گو اینکه پندار و وهم است ولی نظر به سنن قدیمی این سامان چندان هم از موضوع دور نیست بلکه پیوندهایی بسیار نزدیک بین این افسانه‌ها و مظاهر ناهید وجود دارد . این پندارها که گاه از زبان مردم سالخورده و جهان دیده این سامان شنیده شد که نشان از «حمام بلوری» در دل تپه میدادند که در سرینۀ آن «حوضی از طلا» و در «آب زلال» آن حوض «ماهیهای قرمز و طلائی» بجست و خیز مشغولند . فعالیت حفاری ما را نیز کوششی در جهت یافتن این حمام بلور و حوض طلا و ماهیهایش می‌دانستند و بدنبال شایعه ساز بهاشنیده شد که میگویند «انار طلا» و «ماهی طلا» کشف کرده‌ایم . می‌دانیم ارتباطی بین آناهیتا با انار و ماهی وجود دارد و انار و ماهی دو مظهر ناهید میباشند . بطور یقین ساکنان فعلی کنگاور و تپه آناهیتا که بازماندگان سلف خود هستند ، سینه بسینه افسانه‌ها و داستان‌هایی که با محل ناهید و این معبد پیوند داشته‌اند از دورانهای بس قدیم ضبط و منتقل کرده‌اند .

معبد کنگاور بعلت عظمت و وسعتی که دارا میباشد ، سالهای متمادی برای حفاری آن فعالیت لازم دارد . چه علاوه بر خاکبرداری قسمتهای باستانی ، بدو بایستی خانه‌ها و دکانهای مردم کنگاور از بالای تپه ویران شده و بقایای آن به دور دست حمل شود و سپس بحفاری در طبقات باستانی آن اقدام کرد و این برنامه که مراحل مالی آن حل شده قرار است از سال آینده با حفاریات جدی تر و وسیعتری بوسیله وزارت فرهنگ و هنر و اداره کل باستانشناسی تعقیب شود . هیئت حفاری که در تابستان امسال مدت سه ماه برای اولین بار

در این تیه بکاوش علمی مشغول شد، نهایت کوشش را بعمل آورد و نیکوترین نتایج را بدست آورد. همکارانی که در این برنامه شرکت داشتند عبارت بودند: آقایان سید جعفر رهنمون - غلامرضا مصومی - مسعود آذرنوش (باستانشناس) - مهدی رهبر (دانشجوی رشته باستانشناسی دانشگاه تهران - کارآموز) - غلامرضا پیری (حافظ معبد ناهید کنگاور) و استاد احمد اعتماد (سرکارگر) که در حفاریات شوش سالیانی دراز مشغول بود.

پایان





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی